



65

Vol. 17
Winter 2024
P.P: 119-141

Research Paper

Received:
2024-03-01
Revised:
2024-10-13
Accepted:
2024-12-27
Published:
2024-12-27

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Weaponization water as a political-military tool (case study: Türkiye Gap Project)

Mikaeel Modirroosta¹ | mehdi chamani moghadam²

Abstract

The impact of environmental hazards on military geography is an issue that modern armies always pay attention to, and so far a lot of research has been done on this relationship. It is possible that a country in the upstream of a river wants to put pressure on the downstream areas by blocking or restricting water resources or trying to gain political-military interests and goals. This issue automatically increases the effects of environmental hazards such as drought and desertification. The focus of the current research is on the downstream region of the Tigris and Euphrates rivers. Examining historical examples during the early civilizations and then the late 20th century shows that political-military goals have increased the effects of water scarcity and drought in this region. According to the findings of the research, the life and livelihood of the people downstream of the Tigris and Euphrates rivers depends on these water resources, which increases when the rainfall decreases and the air temperature increases. This situation has usually become a tool for the ruling power upstream of the rivers to achieve their political-military or even economic goals. In the new period of Turkey's Gap project, it is one of the other cases that has been operated on the sources of the Tigris and Euphrates and has caused many crises in Syria and Iraq. The findings obtained through the content analysis method show that Turkey seeks to achieve its political-military goals by implementing the Gap project regardless of the consequences of water scarcity and waterlessness in the downstream areas.

Keywords: water weapon, political-military, water scarcity, Türkiye, Gap.

1. Corresponding author: PhD student in Military Geography, Faculty of the Great Prophet, Imam Hussein University, Tehran, Iran
modirrosta0263@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Military Geography, Faculty of the Great Prophet (PBUH), Imam Hussein University, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.65.4.5

Publisher: Imam Hussein University

This article is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License (CC BY 4.0).

© Authors





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۷/۲۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۰/۰۷شاپا چاپی: ۱۸۵۷-۲۵۳۸
الکترونیکی: ۵۲۵۰-۳۶۴۵ابزار آب به مثابه سلاح سیاسی - نظامی
(مطالعه موردی: پروژه گاپ ترکیه)میکائیل مدیرروستا^۱ | مهدی چمنی مقدم^۲

چکیده

چالش رودهای مرزی که بین دو یا چند کشور مشترک است، همواره یکی از زمینه‌های درگیری و اختلاف کشورها با یکدیگر بوده که در قرن جدید نیز همچنان حل نشده باقی مانده است. نقطه آغاز چالش آنجایی است که کشور بالادست یا دارنده سرچشمه رودخانه‌ها اقدام به ایجاد سد در جریان رودها می‌کند و برای این اقدام خود نیز دلایل مختلف توسعه‌ای و کم‌آبی در کشور خود را مطرح می‌کند. اما این دلایل بعضاً ابعاد سیاسی (فشار سیاسی و امتیازگیری) و نظامی (خصوصیت) هم پیدا می‌کند که طبیعتاً در بیانیه‌های رسمی آن‌ها ذکر نمی‌شود. پژوهش حاضر به استفاده از آب به عنوان یک ابزار سیاسی و سلاح نظامی و با تمرکز بر منطقه پایین دست رودهای دجله و فرات می‌پردازد. در این پژوهش از روش تحلیل محتوا برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده که براساس آن یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد ایجاد سد و کانال انحرافی بر جریان رودهای دجله و فرات در اعصار گذشته در مواقع کاهش بارندگی و افزایش دمای هوا به منظور زمین گیر کردن دشمن یا کوچاندن قوم خاصی اتفاق افتاده است. در دوره جدید، پروژه گاپ ترکیه نیز از دیگر مواردی است که بر روی سرچشمه‌های دجله و فرات عملیاتی شده و بحران‌های زیادی را در سوریه و عراق به وجود آورده است. بررسی اهداف اعلامی و واقعی ترکیه نشان می‌دهد که آنکارا با اجرای پروژه گاپ بدون توجه به پیامدهای کم‌آبی و بی‌آبی در مناطق پایین دست، به دنبال دستیابی به اهداف سیاسی-نظامی خود و تحمیل فشار بر کشورهای پایین دست رودخانه‌ها است.

کلیدواژه‌ها: سلاح آب، سیاسی-نظامی، کم‌آبی، ترکیه، گاپ

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری جغرافیای نظامی، دانشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
modirrosta0263@gmail.com

۲. استادیار، گروه جغرافیای نظامی، دانشکده پیامبر اعظم (ص)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران
DOR: 20.1001.1.25381857.1403.17.65.4.5



مقدمه

بی‌آبی و کم‌آبی^۱ در جهان علت‌های مختلفی دارد و می‌تواند ناشی از پیشی گرفتن تقاضا بر عرضه، سوءمدیریت در مصرف آب و یا نبود زیرساخت‌های توزیع آب باشد (سازمان ملل متحد، ۲۰۲۴). در هر صورت منابع آبی محدود و نیاز به آن‌ها روز به روز افزایش می‌یابد. البته تغییرات آب‌وهوایی و پیامدهای آن مانند خشک‌سالی^۲ و بیابان‌زایی^۳ تأثیر مستقیمی بر روی این وضعیت دارد. براساس تعاریف صورت گرفته، خشک‌سالی دوره‌ای تقریباً طولانی مدت است که طی آن یک منطقه بارندگی کمتر از حد عادی را تجربه می‌کند. فقدان بارندگی کافی اعم از باران و برف می‌تواند باعث کاهش رطوبت خاک یا حجم آب‌های زیرزمینی، کاهش جریان رودخانه، آسیب به محصولات کشاورزی و کمبود آب شود. از این نظر خشک‌سالی پس از طوفان‌ها، دومین رویداد آب‌وهوایی پرهزینه محسوب می‌شود (نشنال جئوگرافیک، ۱۴۰۲).

برخلاف رویدادهای آب‌وهوایی ناگهانی مانند طوفان، گردباد و غیره، تشخیص زمان شروع یا پایان خشک‌سالی اغلب دشوار است. سالانه ۵۵ میلیون نفر در سراسر جهان تحت تأثیر خشک‌سالی قرار می‌گیرند و این جدی‌ترین خطر برای دام‌ها و محصولات کشاورزی تقریباً در تمام نقاط جهان است. کمبود آب به‌طور کلی ۴۰٪ از جمعیت جهان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و تا سال ۲۰۳۰ حدود ۷۰۰ میلیون نفر در معرض خطر آواره‌شدن در نتیجه خشک‌سالی قرار دارند (سازمان جهانی بهداشت، ۱۴۰۲).

خشک‌سالی اثرات مزمنی مانند سوء تغذیه به‌دلیل کاهش دسترسی به غذا، کم‌خونی ناشی از فقر آهن، افزایش خطر ابتلا به بیماری‌های عفونی مانند وبا، اسهال، ذات‌الریه، اختلالات سلامت روان و غیره را با خود به‌همراه دارد. خشک‌سالی شدید هم‌چنین موجب افزایش احتمال آتش‌سوزی، طوفان و گردوغبار می‌شود و افرادی که سابقه بیماری‌های ریوی مانند آسم یا انسداد مزمن ریه را دارند، تحت تأثیر قرار می‌دهد (سازمان جهانی بهداشت، ۱۴۰۲).

1. Water Scarcity
2. Drought
3. Desertification

از سوی دیگر، آخرین برورسانی سازمان جهانی هواشناسی^۱ نشان می‌دهد دمای جهانی احتمالاً طی ۵ سال آینده به سطوح بی‌سابقه‌ای برسد که ناشی از افزایش گازهای گلخانه‌ای و به دام انداختن گرما، هم‌چنین رویداد طبیعی ال‌نینو^۲ است. این سازمان پیش‌بینی می‌کند که طی دوره ۵ ساله (۲۰۲۷-۲۰۲۳) به احتمال زیاد گرم‌ترین دوره تاریخ ثبت شود و ۶۶٪ امکان افزایش میانگین سالانه دمای زمین به بالاتر از محدوده ۱/۵ درجه سانتی‌گراد بیشتر از دوره صنعتی شدن، حداقل در یکی از سال‌های این دوره وجود دارد (گزارش سالانه سازمان جهانی هواشناسی، ۱۴۰۲). بنابراین اهمیت آب در این دوره‌های گرمایی دوچندان است. از سوی دیگر این عوامل موجب بروز تنش‌های آبی در مناطق مختلف جهان می‌شود.

به‌طور کلی تنش آبی به‌عنوان یکی از پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی، مسئله‌ای است که هم با بلایا^۳ و هم مخاطرات محیطی^۴ مرتبط است. براساس گزارش کارگروه کارشناسی سازمان ملل متحد درباره شاخص‌ها و تعاریف کاهش خطر بلایا، مخاطرات محیطی به فرایند، پدیده یا فعالیت انسانی که ممکن است باعث ازدست‌دادن جان، ایجاد جراحت یا سایر اثرات بهداشتی، آسیب به اموال، اختلالات اجتماعی و اقتصادی یا تخریب محیط‌زیست گردد، تعریف می‌شود (گزارش سازمان ملل متحد، ۱۳۹۵: ۱۸) براساس تعاریف مطرح‌شده در این گزارش، تغییرات آب‌وهوایی بخشی از مخاطرات محیطی است که آسیب‌پذیری^۵ و در معرض بودن^۶ بخشی از آن را به بلایا تبدیل می‌کند (یوان‌دی آر آر و گزارش چارچوب سندای، ۱۴۰۱: ۱۱).

از این نظر «در معرض بودن» بیشتر به وضعیت افراد، زیرساخت‌ها، ظرفیت‌های تولید و سایر دارایی‌های انسانی ملموس^۷ در مناطق پرخطر اشاره دارد و آن را می‌توان از تعداد افراد و انواع دارایی‌ها در مناطق به‌دست‌آورد، و «آسیب‌پذیری» به مفهوم شرایطی است که توسط عوامل یا فرایندهای فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی و محیطی تعیین می‌شود و حساسیت فرد، جامعه، دارایی‌ها یا سیستم‌ها را در برابر مخاطرات افزایش می‌دهد، بدین ترتیب افزایش درجه‌ای از آسیب‌پذیری و در معرض بودن منجر به افزایش خطر بلایا خواهد شد (سنا و ووندیمیشل، ۱۳۸۴: ۶-۳).

1. World Meteorological Organization
2. El Niño event
3. Disasters
4. Hazards
5. Vulnerability
6. Exposure
7. Tangible human assets

بنابراین با گرم‌تر شدن کره زمین و پراکندگی در بارش‌ها، دسترسی پایدار و امن مردم به منابع آبی نیز اهمیت زیادی پیدا می‌کند. به گونه‌ای که اگر دسترسی مردم به این منابع با چالش مواجه شود، امنیت ملی و در نهایت بقای دولت‌ها تهدید می‌شود. از سوی دیگر در این شرایط با افزایش جمعیت، سطح بهره‌وری از زمین‌های خشک^۱، نیمه‌خشک^۲ و کم‌رطوبت افزایش پیدا می‌کند. این زمین‌ها که بیش از ۴۰٪ از سطح اراضی کره زمین را تشکیل می‌دهند، در برابر کشت زیاد بسیار شکننده‌اند و به تدریج از بین می‌روند (Natal Geogaphic, 2024). کشت نامتناسب این زمین‌ها را به بیابان‌های غیرقابل استفاده تبدیل می‌کند و در کنار آن مواردی مانند شهرنشینی، حفرمعادن و دامداری موجب تخریب زمین می‌شوند که آن را بیابان‌زایی می‌نامند. همه این موارد باعث فرسایش خاک و عدم توانایی زمین در نگهداری آب یا رشد مجدد گیاهان می‌شود. حدود ۲ میلیارد نفر در این زمین‌های خشک زندگی می‌کنند و این پدیده تا سال ۲۰۳۰ می‌تواند ۵۰ میلیون نفر را آواره کند (Natal Geogaphic, 2024).

افزون بر کم‌آبی و بی‌آبی پدیده بیابان‌زایی نیز در نتیجه فعالیت‌های انسانی موجب تخریب زمین‌ها می‌شود و منابع آبی در مناطق خشک و نیمه‌خشک جهان را به کلی نابود می‌سازد. در پژوهش حاضر نیز منطقه جغرافیایی مورد بحث غالباً مربوط به مناطق خشک جهان شامل سوریه و عراق است که تنش آبی در این کشورها حادث شده و افزون‌بر آن بی‌آبی به دلیل نیاز مردم این منطقه به منابع آب با افزایش دوچندان همراه شده است. بنابراین در این شرایط عملیات سدسازی دولت ترکیه برای انسداد سرچشمه‌های دجله و فرات که جزو منابع اصلی تأمین آب سوریه و عراق محسوب می‌شوند، وضعیت را بیش‌ازپیش وخیم‌تر می‌کند. حال با این پیامدهای واضحی که درباره پروژه گاپ وجود دارد، اینکه چرا آنکارا مبادرت به این کار کرده است، خوشبینی موجود در اهداف رسمی و اعلامی ترکیه را از بین می‌برد.

بنابراین آنچه در مقاله حاضر مورد توجه است بررسی این مسئله است که دولت‌ها چگونه می‌توانند از آب به عنوان یک سلاح نظامی یا ابزار سیاسی استفاده کنند یا اینکه این اقدام چه پیامدهایی را برای کشور پایین دست و در سطح بعدی بالادست رودخانه در پی خواهد داشت؟ پاسخ به این پرسش‌ها مستلزم بررسی استفاده از آب یا محرومیت از آب به عنوان یک سلاح یا ابزار است تا براساس آن بتوان اهداف ترکیه را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد.

1. Arid
2. Semi-arid

مبانی نظری

امنیت زیست محیطی^۱

امروزه بسیاری تهدیدات جدید جهانی و منطقه‌ای که به عامل بی‌ثباتی و جنگ تبدیل شده است، ریشه در مسائل زیست محیطی دارد. در حال حاضر مسئله اصلی در امنیت ملی آمریکا نیز چالش‌های منطقه‌ای است که علل آن غالباً به موضوعات زیست محیطی مربوط می‌شود (گلگانو و پالکا، ۱۳۹۱: ۵۶). درست است که مسئله زیست محیطی یک چالش فرامرزی است، اما این موضوع نقش دولت‌ها برای ساماندهی امور منطقه‌ای را افزایش می‌دهد، زیرا امنیت زیست محیطی برای بقای دولت‌ها اهمیت اساسی دارد و این امنیت بدون سازوکارهای مشترک منطقه‌ای و جهانی حل نمی‌شود. در واقع، مسائل زیست محیطی مستقیماً به کنترل یا تشدید رقابت بر سر منابع موجود مانند آب و غذا ارتباط دارد. این موارد بر توانایی دولت‌ها برای تأمین نیازهای اصلی مردم تأثیر می‌گذارد، به همین دلیل عنصری از امنیت انسانی و متغیری برای مشروعیت دولت است (همان، ۱۳۹۱: ۵۶).

تا اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی، مسائل نظامی محور اصلی مباحث امنیتی به‌شمار می‌رفت و نگاه تقلیل‌گرایانه نسبت به این مقوله وجود داشت، بدین شکل که بیشتر تهدیدها سرشتی نظامی داشتند و غالباً نیز مستلزم پاسخ نظامی بودند. این موارد در زمره مفروضات مکتب واقع‌گرایی کلاسیک قرار داشت و این مکتب به دلیل تمرکز صرف بر ستیزش‌های میان دولت‌ها، توانایی پاسخ‌گویی به چالش‌های جدید مانند محیط زیست را نداشت (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۰۴-۲۰۲).

در این شرایط، مکتب انتقادی و سایر مکاتب فکری مشابه بحث‌وجدل‌های زیادی را درباره نارسایی موضوعات سنتی موجود در واقع‌گرایی صورت دادند. بنابراین در کنار موضوعات سنتی مانند ملت‌گرایی، منازعات قومی، تولید تسلیحات و غیره، مباحث غیرسنتی از قبیل مسائل زیست محیطی، مهاجرت و مانند آن نیز مورد توجه قرار گرفت (همان، ۱۳۹۵: ۲۰۶-۲۰۲).

نظریه‌پردازان مکتب انتقادی معتقدند که در بعد امنیت موضوعاتی مانند گرم‌شدن کره زمین، فرسایش لایه اوزون و سایر مسائل زیست محیطی تهدیدهای آینده بشریت‌اند. اولین نشانه تهدید امنیت زیست محیطی را می‌توان در محدودیت استفاده از منابع آب جست‌وجو کرد و افزون‌بر آن مواردی مانند تغییرات در ترکیب شیمیایی جو و چرخه مواد شیمیایی حیاتی در اقیانوس‌ها اتفاقات بی‌سابقه‌ای

1. Environmental Security

هستند که موجب تهدید بقای انسان و معضلات مختلف اجتماعی شده است. نظریه پردازان مکتب انتقادی با معناسازی جدید برای موضوعات امنیتی و برجسته سازی تهدیدهای مشترک تلاش می کنند تا زمینه همکاری متقابل برای امنیت فراگیر را ایجاد کنند (ذوقی بارانی و عین شاهی میرزا، ۱۳۹۴: ۲۰۸). بنابراین با ورود مباحث زیست محیطی در جستار امنیت، تعاریف مختلفی از امنیت زیست محیطی تحت عناوینی مانند حق برخورداری از طبیعت سالم و ضرورت حمایت از آن، لزوم حفظ محیط زیست به عنوان اصلی ترین نظام پشتیبان تمامی فعالیت های بشری، حکمرانی مؤثر و استفاده پایدار از منابع طبیعی و غیره به وجود آمد (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۲۱۰).

در کنار این مسئله، ژئوپلیتیک نیز مانند مفهوم امنیت در مواجهه با رویکردهای انتقادی از حالت سنتی خود خارج شده و نظریات جدیدی مانند ژئوپلیتیک زیست محیطی نتیجه آن است. بنابراین لازم است در ادامه توضیحات درباره ژئوپلیتیک زیست محیطی ارائه شود.

ژئوپلیتیک زیست محیطی^۱

ژئوپلیتیک مفهومی است که در آن سه عنصر اصلی جغرافیا، سیاست و قدرت خصلت ذاتی دارد. تعاریف زیادی برای این مفهوم وجود دارد که شامل روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست، دانش کسب قدرت، رقابت و گسترش حوزه نفوذ، تأثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط دولت ها، قرارگیری قواعد سیاست های منطقه ای و جهانی بر اساس واقعیات جغرافیایی است. ژئوپلیتیک زیست محیطی نیز از گرایش های نوین ژئوپلیتیک است که در فرایند ژئوپلیتیک انتقادی چکش کاری شده است. اندیشمندان ژئوپلیتیک انتقادی معتقدند که ژئوپلیتیک در خدمت نخبگان نظامی قرار گرفته و به ابزاری برای به حق جلوه دادن تفکر نظامی حکومت ها تبدیل شده است. این دسته از متفکران تمایل دارند تا دریابند که سیاست سازان چگونه چشم انداز جهانی خود را ایجاد می کنند و درک این چشم انداز چگونه بر تفسیر آن ها از مکان ها تأثیر می گذارد (احمدی پور و بدیعی، ۱۳۸۱: ۷-۵). بنابراین ژئوپلیتیک زیست محیطی می تواند توضیح دهد که چه کسی قدرت تصمیم گیری در مورد چگونگی استفاده از روش های مختلف برای تغییر فضاها و شرایط زندگی در جمعیت انسانی و غیر انسانی را دارد. به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک زیست محیطی آن دسته از نظریاتی که در خدمت منافع خاصی هستند را توضیح می دهد و افشا می کند (اولیر و همکاران، ۱۴۰۰: ۳).

نقطه شروع ژئوپلیتیک زیست محیطی، مسائل امنیتی است. به عبارت دیگر، این نظریه ابتدا به این می پردازد که چه چیزی امنیت را به خطر می اندازد و برای مقابله با این خطر چه نوع اقداماتی لازم است. بعد از آن با تابلوی هشدار تهدیدات امنیتی، کشورها را متوجه خطر مسائل زیست محیطی و ضرورت هم گرایی برای حل آن می کند.

برخی نظریات بر این باورند که ژئوپلیتیک زیست محیطی در مقابله با افکار ناسیونالیستی قرار می گیرد و این احساس را به وجود می آورد که در جهان کنونی باید به فکر حفظ سیاره زمین و محیط زیست بود نه حفظ کشورها (زین العابدین و پاک نژاد، ۱۳۸۵: ۱۱۱)، اما این نظر تا حد زیادی اشتباه است، زیرا ورود ژئوپلیتیک به مسئله زیست محیطی با رویکرد حفظ قدرت و بقای دولت ها همراه است. در واقع، پیوستگی عمیق مسائل زیست محیطی سبب شده که هرگونه اقدام مثبت در این زمینه تقویت کننده ثبات و امنیت باشد و در مقابل، هرگونه فعالیت غیر از آن ضریب امنیت کشورها را به طور هم زمان کاهش دهد (گلگانو و پالکا، ۱۳۹۱: ۶۴-۶۰).

براین اساس، مسائل زیست محیطی تأثیر مستقیمی بر امنیت ملی دارد و این مسئله در قالب امنیت منطقه ای قابل حل است. اینگونه است که مقوله «امنیت» به عنوان حلقه اتصال بین ژئوپلیتیک و مسائل زیست محیطی عمل می کند و معادلات موجود در ژئوپلیتیک زیست محیطی را تشکیل می دهد. بنابراین ژئوپلیتیک زیست محیطی برآمده از ژئوپلیتیک انتقادی، معنای مثبت و مسالمت جویانه از ژئوپلیتیک را ارائه می دهد که طی آن نفع همه کشورهای منطقه در تلاش برای ایجاد محیط زیست پایدار نهفته است. از این نظر ژئوپلیتیک و امنیت زیست محیطی به یک مسیر مشترک دست پیدا می کنند. تاجایی که حتی نویسندگان کتاب جغرافیای نظامی مدرن^۱ تعریف مسالمت جویانه از امنیت زیست محیطی ارائه می دهند. از نظر آنها «امنیت زیست محیطی فرایندی است که در آن مشکلات زیست محیطی می تواند برای کمک به اهداف امنیت ملی، هم در کاهش تنش ها بر سر مسائل این چنینی و هم در کاربرد آنها برای اعتمادسازی جهت گردآوری کشورهایی که ممکن است خودشان منابع تنش دیگری داشته باشند، مورد استفاده قرار بگیرد» (گلگانو و پالکا، ۱۳۹۱: ۶۲).

1. Modern Military Geography

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق برای بررسی استفاده از آب به عنوان سلاح نظامی یا ابزار سیاسی بر مطالعه یک منطقه متمرکز است که شامل نواحی پایین دست رودهای دجله و فرات است. بدین ترتیب ابتدا از روش تاریخی به مطالعه موارد مربوط به بهره‌وری از آب به مثابه ابزار سیاسی-نظامی پرداخته شده که در این چارچوب دو نمونه‌ی تاریخی شامل حکومت ابی‌ایشوه علیه حکومت سرزمین دریا (۱۶۸۴ ق.م.م) و استفاده رژیم‌بعثی عراق برای خشک کردن تالاب‌های پایین دست و شیعه‌نشین (۱۹۸۰ م) بررسی شده است. سپس در بخش آخر این پژوهش برای تطبیق یافته‌ها با نمونه‌های موجود، اقدامات ترکیه و به‌طور مشخص پروژه گاپ این کشور با استفاده از روش تحلیل محتوا و بررسی تعداد ۹ مقاله علمی در دهه اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

یافته‌های پژوهش

از دیدگاه حقوق بین‌الملل رودها به دو دسته عمده رودهای ملی و بین‌المللی تقسیم می‌شوند که براین اساس رودهای بین‌المللی مانند دانوب و اروندرود از داخل چند سرزمین عبور می‌کنند و دو یا چند کشور را از یکدیگر جدا می‌سازند. به صورت کلی منابع حقوق بین‌المللی رودها بر مبنای ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری در قراردادهای عرف، عقاید دانشمندان حقوق، انصاف و اصول کلی حقوق نهفته است که این حقوق غالباً بر اساس دکترین‌های اصل حاکمیت سرزمینی مطلق، اصل تمامیت ارضی مطلق، اصل مالکیت جمعی و مشاع آب و اصل حاکمیت سرزمینی و تمامیت ارضی محدود، توسط اندیشمندان حقوق بین‌الملل مورد تحلیل قرار می‌گیرد (بای، ۱۳۸۴: ۲۲-۲۱). ارجاع به هر کدام از این دکترین‌ها بستگی به موقعیت کشور مورد نظر دارد، برای مثال کشورهای بالادست رودها معمولاً بر اصل حاکمیت سرزمینی مطلق تأکید دارند که بر اساس آن اجازه دخل و تصرف آزادانه در رودهای بین‌المللی و قطع جریان آن را به خود می‌دهند.

در هر صورت بحث بر سر استفاده از رودهای بین‌المللی و مرزی از گذشته منبع تنش بین کشورها بوده است که برخی از آن‌ها با تنظیم قرارداد و موافقت‌نامه‌ها توانسته‌اند از بروز درگیری جلوگیری کنند و بعضی دیگر هم‌چنان به منازعه بر سر آن ادامه می‌دهند. با این حال بهره‌گیری از منابع آبی اعم از سرچشمه‌های یک رودخانه در بالادست از طریق ایجاد سدها، بندهای انحرافی و غیره تنها نمی‌تواند دلایل اقتصادی برای توسعه کشاورزی، صنعت و غیره را داشته باشد. در بسیاری از موارد قطع جریان آب یا صرفاً اهداف نظامی و سیاسی داشته یا این موارد در زمره

اهداف کشور بالادست رودخانه قرار داشته است. در ادامه موارد مستند موجود برای استفاده از آب به عنوان سلاح نظامی یا ابزار سیاسی در حوزه پایین دست رودهای دجله و فرات، در سه دوره پیش از میلاد مسیح، سده گذشته و دوران جدید بررسی می شود. در دوره های گذشته جلوگیری از جریان آب دجله و فرات معطوف به منطقه عراق امروزی بوده اما در دوران جدید پروژه گاپ ترکیه در سرچشمه اصلی این رودها اجرا شده است که به ترتیب سوریه و عراق را درگیر بحران می کند و سایر کشورهای منطقه مانند جمهوری اسلامی ایران نیز از پیامدهای آن مصون نیستند.

استفاده از آب به عنوان ابزار سیاسی - نظامی در دوران پیش از میلاد مسیح

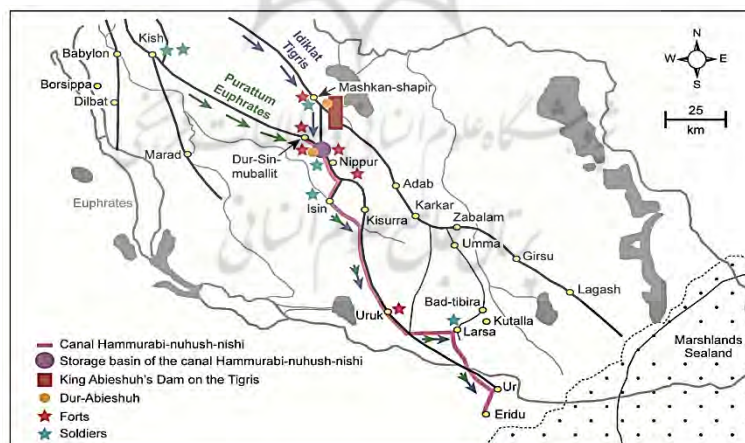
در طول تاریخ نمونه های مختلفی از چنین استفاده هایی قابل شناسایی و ردیابی است که برای مثال یکی از قدیمی ترین این موارد مربوط به ۱۷ قرن قبل از میلاد مسیح است. از تاریخ حدود ۱۷۱۲-۱۶۸۴ ق.م. پادشاهی به نام آبی ایشوه^۱ وارث تاج و تخت پدر بزرگ خود یعنی حمورابی^۲ پادشاه مشهور بابلی بوده است. آبی ایشوه زمانی که زمام حکومت را از پدر خود سامسوایلونا^۳ به دست می گیرد، پادشاهی او با تهدیداتی از سوی حکومتی به نام «سرزمین دریا» یا سی لند^۴ همراه می شود. البته تاریخچه حکومت سرزمین دریا طی چندین دهه برای باستان شناسان و مورخان مبهم بود، اما بعدها باستان شناسان به سفال هایی در شهرهای باستانی گیرسو^۵ واقع در استان ذی قار عراق، اوروک^۶ و لاگاش^۷ دست پیدا کردند که از نظر آن ها متعلق به حکومت «سرزمین دریا» در قسمت جنوبی امپراتوری بابل قدیم بوده است (الحمدانی، ۱۳۹۹: ۱-۲).

باین حال، تحول مهم درباره تاریخچه حکومت سرزمین دریا به سال ۲۰۰۹ میلادی بازمی گردد. در این سال، استفانیه دالی^۸ آشورشناس بریتانیایی با انتشار آرشویی از حدود ۴۷۰ متن میخی جدید استنباط کرد که این متون از یک پادشاهی در جنوب بین النهرین (که از قبل به عنوان سرزمین دریا شناخته می شد) نشأت می گیرد. این الواح شکاف باقی مانده در تاریخ مدرن را پر کرد و موجب شناسایی سایر آثار متعلق به آن دوران در موزه ها و مجموعه های مختلف شد (ایزنبراونس، ۱۴۰۲).

1. Abi-Eshuh
2. Hammurabi
3. Samsu-iluna
4. Seeland
5. Girsu
6. Uruk
7. Lagash
8. Stephanie Dalley

در سال ۲۰۱۷ مقاله‌ای منتشر می‌شود که نویسندگان آن تلاش می‌کنند وجود سرکوب سیاسی با بهره‌گیری از ابزار محرومیت از آب در حدود ۳۷۰۰ سال پیش را اثبات کنند (لبرقه، ۱۳۹۶: ۳). آن‌ها با بررسی مجموعه‌ای از ۷۵ لوح به خط میخی متعلق به آرشیو دانشگاه کرنل^۱ متوجه شدند که این الواح حاوی گزارشی مستند از بهره‌گیری «محرومیت از آب» به عنوان یک سلاح جنگی است که در دوره کاهش بارندگی رخ می‌دهد. منشاء این الواح مربوط به دور-ابی ایشوه (قلعه محصور شده ابی ایشوه) است. براین اساس، در آن دوران حکومت سرزمین دریا از سمت جنوب پادشاهی ابی ایشوه را تهدید می‌کرد و ابی ایشوه برای آنکه بتواند از پیشروی آن‌ها جلوگیری کند، با ایجاد سد بر روی دجله ادامه مسیر رود را به سمت فرات منحرف می‌کند. بدین ترتیب مناطق پایین دست دجله مانند گیرسو، لاگاش و غیره دچار کمبود شدید منابع آبی شدند (لبرقه، ۱۳۹۶: ۵-۶).

انتشار ۴۶۳ لوح از سلسه اول سرزمین دریا نشان می‌دهد که پادشاهان این حکومت هم‌چنان مناطق وسیعی از بابل (از جنوب تا شمال) را در اواخر دوران بابل قدیم و آغاز دوران کاسی کنترل می‌کردند (لبرقه، ۱۳۹۶: ۵-۶). بنابراین می‌توان گفت که استراتژی ابی ایشوه برای مغلوب کردن دشمن خود یعنی سرزمین دریا شکست می‌خورد. در هر صورت این اتفاق در تاریخ باستان نشان‌دهنده تحمیل بی‌آبی به عنوان یک سلاح بر مناطق پایین دست یک رود جهت دستیابی به اهداف سیاسی- نظامی است. تصویر ۱- موقعیت سد ابی ایشوه و وضعیت پیشروی نیروهای سرزمین دریا را نشان می‌دهد.



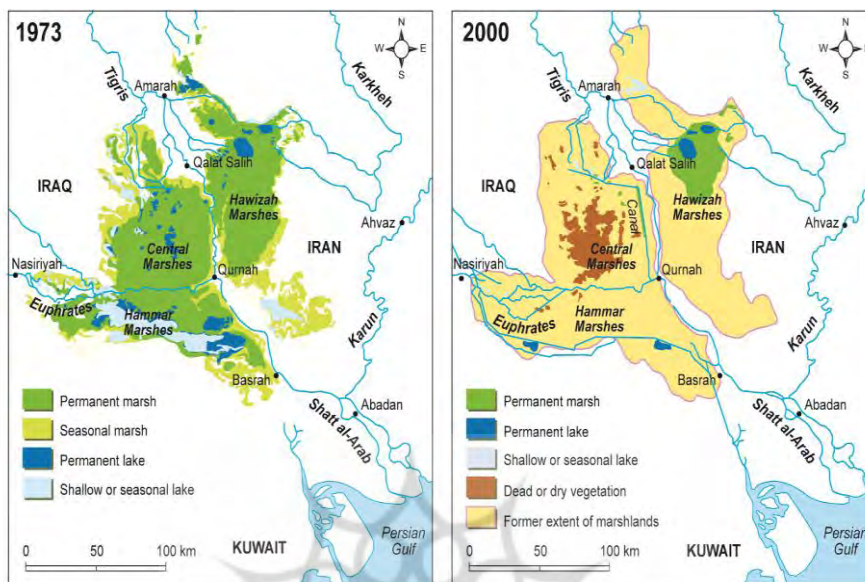
تصویر ۱. موقعیت سد ابی ایشوه، کانال فرات و مسیر پیشروی نیروهای سرزمین دریا

استفاده از آب به عنوان ابزار سیاسی - نظامی در سده گذشته

تکرار استراتژی ابی‌ایشوه در طول تاریخ یک امر بدیهی است، اما شواهد نشان می‌دهد که حداقل طی یک قرن گذشته این استراتژی در همین منطقه پایین دست دجله و فرات (عراق امروزی) مجدداً مورد استفاده قرار گرفته است. زمانی که در دهه ۱۹۵۰ میلادی مهندسان انگلیسی برای دور کردن آب‌های شور و آلوده از منطقه آبی، احداث مجموعه‌ای از کانال‌ها و دریاچه‌ها در دجله و فرات را پیشنهاد کردند، این پیشنهاد بهانه‌ای شد تا رژیم بعثی عراق (صدام) تهدیدات خود علیه اعراب مردابی^۱ را عملی کند. اعراب مردابی یا مادان‌ها به جمعیتی عمدتاً شیعه که کشاورزی و معیشت آن‌ها از گذشته‌های دور به منابع مردابی و تالابی پایین دست دجله و فرات وابسته است، گفته می‌شود (آدریانسن، ۱۳۸۲: ۲). یکی از مسیرهای مورد استفاده رزمندگان ایرانی در طول جنگ تحمیلی رژیم بعثی، بهره‌گیری از این تالاب‌ها برای نفوذ به خاک عراق بوده است. بنابراین اولین برنامه صدام برای انحراف آب تأمین‌کننده این تالاب‌ها به سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ (در طول تهاجم رژیم بعثی عراق علیه ایران) بازمی‌گردد. اضافه بر آن، رژیم صدام تلاش کرد تا با زهکشی عمدی و فشرده تالاب‌های بین‌النهرین، این تالاب‌ها را که مردم منطقه (مادان‌ها) برای بقای خود به آن وابسته بودند را از بین ببرد (لربرقه، ۱۳۹۶: ۳-۴).

تا دهه ۱۹۷۰، تالاب بین‌النهرین^۲ مساحتی بالغ بر ۲۰ هزار کیلومتر مربع را پوشانده بود و جمعیتی بیش از ۲۵۰ هزار شیعه را تغذیه می‌کرد. اما در سال ۲۰۱۷، کمتر از ۱۰٪ از تالاب اصلی و حدود ۲۰ هزار نفر از ساکنان در این منطقه باقی مانده است. این تالاب‌های جنوبی عمدتاً از دجله (تالاب‌های الهویزه) و فرات (تالاب‌های الحمار) یا از هر دو (قرنه یا تالاب مرکزی) تغذیه می‌شوند (لربرقه، ۱۳۹۶: ۳).

1. The Ma'dan Arabs
2. Mesopotamian marshes



شکل ۲. خشک سالی در سرزمین های تالابی بین دجله و فرات (۱۹۷۳-۲۰۰۰)

شکل ۲ نشان می دهد از سال ۱۹۷۳ تا سال ۲۰۰۰ در نتیجه سیاست های رژیم صدام تقریباً تالاب های الحمار و مرکزی خشک شده و تنها بخش کوچکی از تالاب هویره باقی مانده است.

جدول ۱. مقایسه اهداف و نتایج استراتژی ابی ایشوه و صدام

زمان	حکومت ابی ایشوه	رژیم صدام
نوع استراتژی	ایجاد سد بر روی دجله و انحراف آب به سمت فرات (حوزه ذخیره و کانال حمورابی-نوشاه-نیشی)	زهکشی و انحراف آب های ورودی تالاب ها با توجیه استفاده از آن برای اهداف کشاورزی
هدف	قطع دسترسی حکومت سرزمین دریا به منابع آبی دجله و زمین گیر کردن آن ها	الف) خشک کردن تالاب هایی که مردم شیعه به منابع آبی آن وابسته بودند. ب) از بین بردن تالاب هایی که نیروهای ایرانی در زمان جنگ از آن استفاده می کردند.
نتیجه	عدم شکست نیروهای سرزمین دریا و ادامه پیشروی	الف) خشک شدن بیش از ۹۰٪ تالاب اصلی ب) باقی ماندن کمتر از ۱۰٪ جمعیت ساکن

اتفاقی که در دوران حکومت ابی ایشوه افتاد، به نوعی بهره گیری از یک دوران طولانی مدت کم آبی و جلوگیری از ادامه جریان آب به سمت مناطق پایین دست برای تحمیل اراده سیاسی بوده است. درواقع، اهداف سیاسی-نظامی شالوده اصلی این اقدام را تشکیل می داد که از آن می توان به نام «استراتژی ابی ایشوه» یاد کرد. اقدام صدام نیز تقریباً مشابه همان استراتژی بود، هرچند برخی تفاوت ها نیز وجود دارد. درواقع صدام بیشتر به دنبال کنترل یا از بین بردن یک قومیت در داخل کشور عراق بوده، درحالی که در زمان ابی ایشوه حکومت سرزمین دریا حکم نیروهای خارجی را داشت. بنابراین برای تعریف این استراتژی می توان گفت:

«انسداد یا انحراف آب به منظور قطع جریان آب به مناطق پایین دست با اهداف سیاسی و نظامی در مناطقی که دمای هوا زیاد و میزان بارندگی کم و پراکنده است».

استفاده از آب به عنوان ابزار سیاسی-نظامی در دوره جدید؛ ترکیه و پروژه گاپ

در جغرافیای نظامی مدرن، اهداف سیاسی در کنار اهداف نظامی از اولویت اساسی برخوردارند و جغرافیای نظامی تنها معطوف به اقدامات نظامی برای از بین بردن ساکنان یک منطقه یا ایجاد زمین سوخته نیست. بنابراین اهدافی نظیر تحمیل اراده سیاسی، وابسته سازی در حوزه امنیت و امتیازگیری نیز در زمره جغرافیای نظامی مدرن قرار می گیرد. با توجه به این موارد به نظر می رسد در دوره جدید نیز اقداماتی مشابه «استراتژی ابی ایشوه» در جریان باشد، فقط این بار از بالادست رودها به سرچشمه های اصلی آن رسیده و پیامدهای آن از نظر جغرافیایی نیز گسترده تر است. فرض بر این است که استراتژی مشابه ابی ایشوه در قالب پروژه گاپ لباس جدیدی به خود پوشیده است.

بیش از ۹۴٪ از سرچشمه رود فرات و حدود ۵۱٪ از سرچشمه رود دجله در ترکیه قرار دارد. پروژه گاپ نیز برای ذخیره، هدایت و مدیریت همین سرچشمه ها از دهه ۱۹۸۰ میلادی توسط دولت ترکیه اجرایی شده است. بنابراین این پروژه مانند استراتژی ابی ایشوه یا صدام در مسیر ۲ رود بزرگ دجله و فرات نیست، بلکه سرچشمه اصلی آن ها را می بندد. این پروژه موجب کاهش شدید جریان ۱۹۰۰ کیلومتری دجله از مرز بین سوریه و ترکیه تا عراق و خلیج فارس می شود و از سوی دیگر، عملاً حجم سالانه عبوری ۳۵/۶ میلیارد مکعبی فرات از سوریه تا عراق را قطع می کند (ذکی و اسداللهی، ۱۳۹۹: ۵). پروژه گاپ شامل ۲۲ سد و ۱۹ نیروگاه برق آبی است که گنجایش یکی از سدهای آن به نام آتاتورک حدود ۴۹ میلیارد متر مکعب برآورد می شود (ذکی و اسداللهی،

۱۳۹۹: ۵). این پروژه هم‌چنین آب موردنیاز برای آبیاری ۱/۹ میلیون هکتار از زمین‌های کشاورزی و ۲۵٪ از برق ترکیه را تأمین می‌کند (ناصحی و گودرزی، ۱۳۹۹: ۱۱۳).

آنکارا به صورت رسمی دلایل اجرای این پروژه را اینگونه بیان کرده است. مواردی مانند توسعه اقتصادی- اجتماعی، امنیت غذایی و آبی براساس روند مذاکرات با اتحادیه اروپا و تحولات منطقه‌ای از جمله دلایل مطرح شده در گزارش وزارت امور خارجه ترکیه است (ذکی و اسداللهی، ۱۳۹۹: ۵).

از سوی دیگر کارشناسان ترکیه ادعا می‌کنند که سرانه مصرف آب تعیین شده در ترکیه حدود ۱۳۴۰ مترمکعب بوده و کشورشان از لحاظ شاخص فالکن مارک (شاخص میزان در دسترس بودن آب برای هر نفر) جزو کشورهای قرار می‌گیرد که با مشکل کمبود آب مواجه است. از نظر آن‌ها، حدود ۴۰٪ از ظرفیت آبی ترکیه از آب‌های فرامرزی تشکیل می‌شود و بهره‌برداری از این آب‌ها برای ترکیه که با مشکل کمبود فراینده آب مواجه است، اهمیت زیادی دارد (خبرگزاری آنا، ۲۰۲۱).

ممکن است تمامی این دلایل درست باشد، اما جریان طولی و حجم ورودی این رودها به گونه‌ای است که زندگانی مناطق پایین دست آن‌ها مانند سوریه و عراق به آن وابسته است. بنابراین ایجاد سد بر روی سرچشمه این رودها چندان عواقب زیست‌محیطی شدیدی دارد که یک کشور نمی‌تواند درباره آن‌ها تصمیم‌گیری کند. به همین دلیل در خوشبینانه‌ترین حالت می‌توان گفت که زندگی مردم پایین دست این رودها برای آنکارا اهمیتی ندارد. اما اهداف آنکارا از توسعه گاپ تنها به این موارد محدود نمی‌شود، به ویژه آنکه دولت ترکیه نسبت به پیامدهای زیست‌محیطی این پروژه مانند تشدید خشک‌سالی در مناطق پایین دست رودخانه شامل کشورهای عراق و سوریه، از بین رفتن کشاورزی آن‌ها، کمبود آب مصرفی موردنیاز صنایع و شیوع بیماری‌های مختلف بی‌توجه است. حتی بررسی‌ها نشان می‌دهد که ریزگردها در ایران به دلیل سدسازی ترکیه ایجاد شده است و از نظر حقوقی ترکیه باید به رژیم مشخصی پایبند باشد. افزون بر آن بیشتر کارشناسان، ترکیه را مسئول خسارت‌های وارده به ایران می‌دانند و معتقدند که آنکارا باید مطابق مفاد مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها نسبت به توقف و عدم تکرار متخلفانه (سدسازی غیراصولی) اقدام کند و خسارت‌های وارده شده باید با استفاده از شیوه‌های جبران خسارت در نظام مسئولیت بین‌المللی جبران شود (اکبری و مشهدی، ۱۳۹۷: ۳۴۳). بدین ترتیب در این بخش دسته‌بندی اهداف سیاسی- امنیتی ترکیه از اجرای پروژه گاپ مورد توجه است.

در ایران طی یک دهه گذشته مقالات علمی معتبری درخصوص پروژه گاپ ترکیه نگاشته شده که در هر کدام به ابعاد مختلف این پروژه پرداخته شده است. بنابراین در این پژوهش تعدادی از بهترین این مقالات از درجه، اعتبار و روش علمی احصاء شده و یافته ها و نتایج آن ها با روش تحلیل محتوا مورد بررسی قرار گرفته که نتایج آن در جدول ۳ قابل مشاهده است. این مقالات در محدوده زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۱ نگاشته شدند که از تعداد ۹ مقاله، ۷ مورد مربوط به سال های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۱ است، بنابراین این مقالات از نظر زمانی جدید هستند. از سوی دیگر ۸ مورد از آن ها در فصل نامه های علمی- پژوهشی انتشار یافته اند. در مرحله اول با تجزیه و تحلیل این مقالات، ۵ محور اصلی درباره اهداف سیاسی- امنیتی ترکیه از پروژه گاپ تعریف و کدگذاری آن ها مشخص شده که شرح آن در جدول ۲ آمده است. در مرحله دوم میزان تکرار کدها در یافته ها و نتایج مقالات مشخص شده و کدها بر این اساس رتبه بندی می شوند که نتایج آن در جدول ۴ قابل مشاهده است.

جدول ۲. تعریف موضوعی کدها

کدها	موضوع کدها
A	تبدیل شدن به قدرت هژمونیک منطقه ای
B	پیشبرد سیاست آب در برابر نفت
C	مسئله پیشگیری از تجزیه طلبی کردها و ادغام کردها در نظام اقتصادی- اجتماعی ترکیه
D	استفاده ابزاری از آب به عنوان اهرم فشار برای امتیازگیری، وابسته سازی و افزایش قدرت
E	افزایش امنیت غذایی و توسعه کشاورزی

جدول ۳. اهداف سیاسی- امنیتی ترکیه از پروژه گاپ از نظر پژوهشگران تخصصی

نام نویسنده	عنوان مقاله	اهداف سیاسی- امنیتی ترکیه از پروژه گاپ
کرمی و همکاران (۱۳۹۵)	تأثیر هیدروپلیتیک برمناسبات عراق و ترکیه، با تأکید بر دجله و فرات	- تلاش برای تبدیل شدن به قدرت برتر منطقه (A)
ناصرحی و گودرزی (۱۳۹۹)	پروژه سدسازی ترکیه؛ تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و ج.ا.ایران	- پیشبرد سیاست آب در برابر نفت (B)
ذکی و اسداللهی (۱۳۹۹)	هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست محیطی عراق و سوریه	- ایجاد و تثبیت خود به عنوان هژمونی در منطقه (A) - ذوب کردن کردها در نظام اقتصادی- اجتماعی ترکیه (C) - اهرم فشار در برابر سوریه و عراق (D) - استفاده از آب در برابر نفت (B)

جدول ۳. اهداف سیاسی- امنیتی ترکیه از پروژه گاپ از نظر پژوهشگران تخصصی

نام نویسنده	عنوان مقاله	اهداف سیاسی- امنیتی ترکیه از پروژه گاپ
محمّدی و همکاران (۱۳۹۱)	تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات	- ایجاد هم‌مونی در منطقه (A)
خسروی و همکاران (۱۴۰۱)	پیامدهای سیاسی پروژه آناتولی جنوب شرقی (گاپ) برکردها	- حل مسئله کردی و بحران هویت (C)
ملکی (۱۴۰۱)	اهداف امنیتی ترکیه از پروژه سدسازی گاپ و تأثیر آن بر ایران	- افزایش امنیت غذایی (E) - افزایش قدرت هیدروهمونیک (A) - کنترل کردها (C)
کاظمی (۱۴۰۱)	پروژه‌های گاپ و داپ ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌ها	- هیدروهمون‌گرایی (A) - استفاده ابزاری آب برای امتیازگیری (D)
زارع و قوام‌آبادی (۱۴۰۰)	مناقشات محیط‌زیستی کشورهای حوزه آبریز دجله و فرات نسبت به سدسازی دولت ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل	- تفوق (هم‌مونی) منطقه‌ای (A)
سرخیل (۱۴۰۰)	آب و راهبرد هیدروهمون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین	- پیشنهادسازی قدرت از طریق ابزار آبی (D) - تبدیل شدن به هاب آبی منطقه (A) - کنترل کردها (C)

جدول ۴. درصد فراوانی کدگذاری‌ها

رده‌بندی اهداف	کدها	کدهای تکرار شده	درصد
قدرت هم‌مونی	A	۷	۴۱/۳۱
کنترل کردها	C	۴	۲۳/۵۱
استفاده ابزاری از آب	D	۳	۱۷/۶۶
سیاست آب در برابر نفت	B	۲	۱۱/۷۶
امنیت غذایی	E	۱	۵/۸
*	تعداد کل	۱۷	۱۰۰

در این بررسی ۵ مقوله کلی از نتایج مقالات به دست آمده و براساس بیشترین تکرار رتبه‌بندی شده است. تکرار بیشتر به معنای تأکید نویسندگان بر این اهداف در یافته‌ها و نتایج خود است. در ادامه براساس این رتبه‌بندی، اهداف سیاسی-امنیتی ترکیه از اجرای پروژه گاپ تبیین می‌شود که به شرح ذیل است:

۱- ترکیه به‌ویژه در دوره‌ی ریاست‌جمهوری اردوغان به دنبال تبدیل شدن به یک قدرت برتر در منطقه است. بنابراین برای رسیدن به این هدف، از آب نیز برای اعمال قدرت استفاده می‌کند. البته تبدیل شدن به قدرت هیدروژمونیک در منطقه یک هدف کلی است که سایر اهداف سیاسی-امنیتی در ذیل آن قرار می‌گیرد.

۲- آنکارا با افزایش توسعه اقتصادی-اجتماعی در مناطق کردنشین ترکیه تلاش می‌کند تا آن‌ها را به نوعی در ساختار اقتصادی این کشور ادغام کند. با این حال، این هدف با توجه به بافت و مرزبندی مشخص بافت کردنشین ترکیه، با شکست مواجه شده است (خسروی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱).

۳- استفاده ابزاری از آب می‌تواند یکی از زمینه‌ها برای قدرت هیدروژمونیک باشد، در واقع ترکیه برای دریافت امتیاز، وابسته‌سازی یک کشور یا در هر صورت استفاده از اهرم فشار در عرصه‌های مختلف، به دنبال کنترل و هدایت سرچشمه دجله و فرات است. پیشنهاد مکرر ترکیه جهت تأسیس خط لوله صلح برای تأمین آب کشورهای عرب حوزه خلیج فارس، سوریه، فلسطین و رژیم صهیونیستی (سرزمین‌های اشغالی) از این رویکرد ناشی می‌شود (ذکی و اسداللهی، ۱۳۹۹: ۶) که از این نظر بیشتر شبیه پروژه‌های خط لوله انرژی روسیه مانند نورد استریم برای وابسته‌سازی اروپا است.

استفاده ابزاری از آب می‌تواند به‌طور مشخص به عنوان سلاح علیه مناطق پایین دست بکار گرفته شود. نکته‌ای که در این مقالات بررسی شده مغفول مانده است. به خصوص زمانی که گروه تروریستی داعش شروع به استفاده مکرر و سیستماتیک از آب به عنوان سلاح کرد، این جنبه از آن مورد توجه قرار گرفت. اما قبل از آن کم‌آبی در سوریه خشونت و کشمکش داخلی را افزایش داده بود که موجب جابجایی تعداد زیادی از ساکنان مناطق شمالی سوریه شد (کلینجن دیل، ۱۳۹۹). این جابجایی جمعیت موجب آشفته‌گی و البته تقویت گروه‌های مخالف بشار اسد شد که بعدها زمینه را برای سال‌ها تخریب و کشتار توسط گروه‌های تروریستی فراهم کرد. بنابراین پروژه گاپ ترکیه تأثیر

مستقیمی بر جابجایی جمعیت و افزایش خشونت‌ها در سوریه و تأثیر غیرمستقیمی بر تقویت داعش و نابودی زیرساخت‌های آبی این کشور داشته است.

۱- وضعیت ترکیه در منابع آبی و کشاورزی تقریباً از همه کشورهای منطقه بهتر است. اما این کشور نیاز شدیدی به منابع انرژی نفت و گاز دارد. آخرین آمار بانک جهانی (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که ترکیه ۷۵٪ انرژی مصرفی خودش را وارد می‌کند (بانک جهانی، ۱۳۹۴). براساس آمار وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه، طی سال ۲۰۲۲ واردات نفت خام این کشور ۳۳/۴۹ میلیون تن بوده و به‌طور کلی ترکیه بیش از ۹۰٪ نفت خام موردنیاز خود را وارد می‌کند (وزارت انرژی و منابع طبیعی ترکیه، ۱۴۰۲). اما همسایگان ترکیه مانند عراق، سوریه و سایر کشورهای حوزه خلیج فارس عمدتاً کشورهای نفت‌خیز هستند. برای نمونه، ذخایر اثبات شده نفت خام عراق حدود ۱۴۵ میلیون بشکه است که پنجمین کشور در این زمینه محسوب می‌شود (تارنمای اوپک، ۱۴۰۰). ازسوی دیگر، همین کشورهای نفت‌خیز منطقه عمدتاً به منابع آبی نیاز دارند که این موضوعات که فرضیه «پیشبرد سیاست آب در برابر نفت» را تقویت می‌کند.

۲- حدود ۶/۵٪ از تولید ناخالص داخلی ترکیه مربوط به حوزه کشاورزی، جنگلداری و شیلات است که درصد زیادی محسوب می‌شود (بانک جهانی، ۱۴۰۱). به‌طور کلی اقلام اصلی غذایی و پرمصرف در یک کشور جزو محصولات استراتژیک هستند. برای نمونه گندم برای ترکیه یک کالای استراتژیک محسوب می‌شود و تضمین ذخایر گندم برای آنکارا ضرورت دارد، زیرا میزان مصرف داخلی گندم در ترکیه حدود ۲۰ میلیون تن است که حدود ۱۷ میلیون تن آن در داخل تولید می‌شود (دپارتمان کشاورزی ایالات متحده آمریکا، ۱۴۰۰: ۸). یکی از دلایل مصرف زیاد گندم، اهمیت نان به‌عنوان غذای اصلی مردم ترکیه است که براساس آمارها روزانه حدود ۱۰۰ میلیون نان ۲۵۰ گرمی تازه در این کشور تولید می‌شود (دپارتمان کشاورزی ایالات متحده آمریکا، ۱۴۰۰: ۲).

به‌همین دلیل در دسترس بودن نان یک مسئله مهم در ترکیه محسوب شده و دولت آنکارا مستقیماً در سیاست‌های تولید نان دخالت می‌کند. میزان واردات گندم ترکیه در سال ۲۰۲۲ حدود ۱۰/۲۵ میلیون تن (پنجمین کشور واردکننده گندم در جهان) است که از این میزان حدود

۶,۷۵ میلیون تن گندم را نیز صادر می‌کند (دپارتمان کشاورزی ایالات متحده آمریکا، ۱۴۰۰: ۳) نکته قابل توجه این است که کشور عراق بیشتر گندم مورد نیاز خود را از ترکیه وارد می‌کند (تارنمای اوپک، ۱۴۰۰). البته سوریه روابط نزدیکی با مسکو دارد و عمده واردات گندم این کشور از روسیه است. در هر صورت، ترکیه با افزایش ضریب امنیت غذایی هم نیاز خود به واردات محصولات استراتژیک را کاهش می‌دهد و هم در آینده می‌تواند از آن به عنوان ابزاری برای بیشینه سازی قدرت منطقه‌ای استفاده کند.

نتیجه گیری و پیشنهادها

محوریت پژوهش حاضر اثبات این مسئله بوده است که اهداف سیاسی-نظامی چگونه محرومیت از آب را به یک سلاح یا ابزار تبدیل می‌کند. به طور کلی تنش آبی به عنوان پیامد فعالیت‌های انسانی، کم آبی، یک مخاطره محیطی یا به صورت کلی تغییرات آب و هوایی، تهدید بزرگ و پرهزینه‌ای برای ابعاد سیاسی-امنیتی یک کشور محسوب می‌شود و تأثیر مستقیمی بر جغرافیای نظامی دارد. اما این رابطه یکسویه نیست و حکومت‌ها در طول تاریخ با توجه به وضعیت آب و هوایی و هیدرولوژی یک منطقه، از طریق انسداد یا انحراف آب، پیامدهای کم آبی را بر مناطق وابسته یا پایین دست رودخانه مضاعف کرده‌اند.

بنابراین، به نظر می‌رسد که اهداف سیاسی-امنیتی جایگاه ویژه‌ای در پروژه گاپ ترکیه دارد و این کشور بدون توجه به شرایط منطقه (کم آبی و دمای بالا، هم چنین افزایش آن با تغییرات آب و هوایی) به نوعی بی مسئولیتی بیش از اندازه‌ای را نسبت به وضعیت تنش آبی در مناطق پایین دست داشته است. به گونه‌ای که برخی از اندیشمندان بی ثباتی سوریه بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰ را نتیجه اقدامات ترکیه در شرق این کشور می‌دانند که با ایجاد بی آبی موجب نابودی کشاورزی در این منطقه و مهاجرت کشاورزان به حاشیه شهرهای بزرگ سوریه شد. این عوامل نارضایتی بین مردم سوریه را تشدید کرد و موجب پیوستن بسیاری از آن‌ها به گروه‌های ضد بشار اسد، رئیس جمهور سوریه شد.

در هر صورت، بی توجهی ترکیه به تبعات زیست محیطی بستن منابع آبی نتایج فاجعه‌باری را رقم خواهد زد. بنابراین مقابله با خشک سالی علاوه بر ضرورت هماهنگی جهانی، نیاز به هم گرایی و

همکاری منطقه‌ای دارد و به‌طور کلی جزو مسائل فراملی است. هرچند که باتوجه به چندوجهی بودن مسئله، اعمال فشار بر این کشور برای قبول برخی مسئولیت‌ها در این حوزه نیاز به ابزارهای مختلفی دارد. اما این موضوع که تمام ارکان و عناصر طبیعی در کره زمین دارای پیوستگی هستند و هرگونه تبعات ناشی از تشدید تنش آبی و بیابان‌زایی در مناطق پایین دست یک رودخانه در نهایت پیامدهای جبران‌ناپذیری برای کشوری مانند ترکیه خواهد داشت، می‌تواند مقدمه خوبی برای شروع همکاری‌ها در این زمینه باشد. این دقیقاً جایی است که جغرافیای نظامی در نهایت فعالیت‌های صلح‌آمیز و مسالمت‌جویانه را پیش می‌کشد، حتی اگر براساس تصورها از ماهیت جغرافیای نظامی فاصله داشته باشد. بنابراین راهکارهای ذیل برای کاهش این تنش آبی در منطقه پیشنهاد می‌شود:

- ۱- استفاده از ظرفیت نهادهای دانشگاهی و علمی برای ایجاد بستر گفت‌وگو با کارشناسان کشورهای درگیر در این مسئله شامل ایران، ترکیه، عراق و سوریه و بهره‌مندی از تجارب سایر کشورها برای حل تنش‌های آبی.
 - ۲- همگرایی بیشتر وزارت نیرو و وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و ایجاد یک نهاد مشترک برای پیشبرد بهتر دیپلماسی آب.
 - ۳- افزایش سازوکارها، تشکیل کارگروه‌ها و در نهایت ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای از طریق دستگاه‌های ذیربط و مشارکت نهادهای دانشگاهی با همکاری سازمان‌های بین‌المللی برای حل و فصل این موضوع.
 - ۴- تلاش برای ترویج فرهنگ مصرف بهینه و بازآفرینی روش‌های بومی جهت حفظ و بهره‌برداری از آب به‌منظور تقویت تاب‌آوری کشور در مواقع کم‌آبی.
 - ۵- کنترل صادرات صنایع آب‌بر با استفاده از ایجاد سیستم ارزش‌افزوده برای کالاهای کشاورزی سایر کشورها جهت عرضه به بازار جهانی، ایجاد وابستگی متقابل با تعمیق همکاری‌ها تجاری و اقتصادی و بهره‌گیری از روش‌هایی مانند کشت فراسرزمینی.
- ایجاد اهرم‌های فشار از طریق توانمندسازی مزیت‌های ویژه کشور و بکارگیری آن‌ها برای واداشتن کشورها از مسدود کردن سرچشمه و بالادست رودخانه‌ها.

فهرست منابع

- احمدی‌پور، زهرا، بدیعی، مرجان (۱۳۸۱): ژئوپلیتیک انتقادی. فصل‌نامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، دانشگاه تربیت مدرس.
- اکبری، نرگس، مشهدی، علی (۱۳۹۸): تهدیدها و تعهدات زیست‌محیطی دولت ترکیه در اجرای پروژه گاپ نسبت به آثار سوء زیست‌محیطی در ایران (ریزگردها). مجله حقوقی بین‌المللی، شماره (۶۱)، پاییز و زمستان. خسروی، اعظم، شاهنده، بهزاد، اطهری، سیداسدالله؛ هرمیداس باوند، واود (۱۴۰۱): پیامدهای سیاسی پروژه آناتولی جنوب‌شرقی (گاپ) برای کردها. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست‌بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره (۲)، شماره پیاپی ۲۲. بهار و تابستان. دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.
- ذکی، یاشار، اسدالهی، سروش (۱۳۹۹): هیدروپلیتیک پروژه گاپ ترکیه و تأثیر آن بر امنیت زیست‌محیطی عراق و سوریه. فصل‌نامه آمایش سیاسی فضا. دوره ۳، شماره (۱).
- ذوقی بارانی، کاظم، و عین شاهی میرزا، محمد (۱۳۹۴). راهبردهای بهبود چالش‌های امنیت زیست‌محیطی. آفاق امنیت، ۸ (۲۷)، ۱۹۷-۲۲۴.
- رنجبر حیدری، وحید، و جمشیدی، ابراهیم (۱۳۹۵). بررسی مفهوم امنیت زیست‌محیطی با نگاهی به چالش‌های امنیت زیست‌محیطی ایران. راهبرد اجتماعی فرهنگی، ۵ (۲۱)، ۱۹۹-۲۳۱.
- زارع، علی، رضائی قوام آبادی، محمدحسین (۱۴۰۰): مناقشات زیست‌محیطی کشورهای حوضه آبریز دجله و فرات نسبت به سدسازی ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل. فصل‌نامه علوم محیطی، دوره ۱۹، شماره (۱).
- زین‌العابدین، یوسف، پاک‌نژادمتکی، حمیدرضا (۱۳۸۶): مقدمه‌ای بر ژئوپلیتیک زیست‌محیطی. فصل‌نامه علوم و تکنولوژی محیط‌زیست، دوره نهم، شماره ۲، تابستان ۸۶، دانشگاه آزاد اسلامی.
- سرخیل، بهنام (۱۴۰۰): آب و راهبرد هیدروژئومون‌گرایی ترکیه در بین‌النهرین. فصل‌نامه پژوهش‌های بین‌الملل، دوره ۱۱، شماره (۲).
- کاظمی، احمد (۱۴۰۱): پروژه‌های گاپ و داپ ترکیه از منظر حقوق بین‌الملل و رسالت رسانه‌ها. دوفصل‌نامه رسانه بین‌الملل. دوره ۷، شماره (۱)، شماره پیاپی ۹، ص ۸۵-۴۵.
- کرمی، افشین، حسن‌زاده، جواد، پیشگاهی‌فرد، زهرا (۱۳۹۵): تأثیر هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات. فصل‌نامه علمی-پژوهشی مطالعات سیاسی جهان اسلام. سال پنجم، شماره (۱۷).
- محمدی، حمیدرضا، میرزایی‌پور، طاهره، حسین‌پور، رضا (۱۳۹۱): تحلیل فضایی هیدروپلیتیک حوضه دجله و فرات. فصل‌نامه علمی-پژوهشی جغرافیا، سال دهم، شماره (۳۵).
- ملکی، ماری (۱۴۰۰): اهداف امنیتی ترکیه در پروژه گاپ و تأثیر آن بر ایران. فصل‌نامه سیاست و روابط بین‌الملل، سال پنجم، شماره (۲)، پیاپی ۱۰.

ناصیحی، محمد، گودرزی، مهناز (۱۳۹۹): پروژه سدسازی ترکیه؛ تهدیدات امنیتی برای غرب آسیا و جمهوری اسلامی ایران. فصل نامه روابط خارجی، سال ۱۲، شماره (۱).
وبگاه خبری آناتولی (بروزرسانی شده در ۱۴۰۰): سدسازی ترکیه مشکل تأمین آب عراق و سوریه را حل می کند. دسترسی در تیرماه ۱۴۰۲.

- Adriansen, Hanne Kristine (2004): What happened to the Iraqi marsh Arabs and their land? Danish Institute for International Studies, Copenhagen, Denmark.
- Al-Hamdani, A. (2020). The Settlement and Canal Systems During the First Sealand Dynasty (1721–1340 BCE). In S. Paulus & T. Clayden (Ed.), *Babylonia under the Sealand and Kassite Dynasties* (pp. 28-57). Berlin, Boston: De Gruyter. <https://doi.org/10.1515/9781501510298-003>
- O'Lear, S., Hane, M. K., Neal, A. P., Stallings, L. L. M., Wadood, S., & Park, J. (2021). Environmental geopolitics of climate engineering proposals in the IPCC 5th assessment report. *Frontiers in Climate*, 3, 718553.
- Sena, Lelisa, Woldemichael, Kiffle (2006): Disaster prevention and Preparedness Lecture Notes for Health Science Students. Funded under United States Agency for International Development. Jimma University.
- Van Lerberghe, K., Kaniewski, D., Abraham, K., Guiot, J., & Van Campo, E. (2017). Water deprivation as military strategy in the Middle East, 3.700 years ago. *Méditerranée: revue géographique des pays méditerranéens*.
- Galgano, F., & Palka, E. J. (Eds.). (2012). *Modern military geography*. Routledge.
- ClingenDeal (2020): The role of water in Syrian and Iraqi civil war. Available at: <https://www.clingendael.org/publication/role-water-syrian-and-iraqi-civil-wars>
- Eisenbrauns (2006): Babylonian Tablets from the First Sealand Dynasty in the Schøyen Collection. Available at: <https://www.eisenbrauns.org/books/titles/978-1-934309-08-7.html>
- The World Bank (2022): Agriculture, Forestry, and Fishing. Value added (% GDP). Türkiye. Accessed on July 2023. Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/NV.AGR.TOTL.ZS?locations=TR>
- The World Bank (Updated in 2023): Energy imports, net (% of energy use), Türkiye. Accessed in July 2023. Available at: <https://data.worldbank.org/indicator/EG.IMP.CON.S.ZS?locations=TR>
- Türkiye Ministry of Energy & Natural Resources (Updated 2023): Crude oil. Accessed in July 2023 Available at: <https://enerji.gov.tr/info-bankenergycrude-oil>
- United Nations (2016): Report of open-ended intergovernmental expert working group on indicators and terminology relating to disaster risk reduction (A/71/644). Based on resolution 69/284. Seventy-first session. Agenda item 19 (C).
- United Nations-Water (2024): Water scarcity. Available at: <https://www.unwater.org/water-facts/water-scarcity>
- USDA (2021): Report of Grain & Feed Annual. Turkey. Accessed in July 2023. Available at: https://apps.fas.usda.gov/newgainapi/api/Report/DownloadReportByFileName?fileName=Grain%20and%20Feed%20Annual_Ankara_Turkey_04-01-2021
- USDA (2022): Report of Grain & Feed Annual. Turkey. Accessed on July 2023. Available at: https://apps.fas.usda.gov/newgainapi/api/Report/DownloadReportByFileName?fileName=Grain%20and%20Feed%20Update_Ankara_Turkey_TU2022-0034.pdf
- WMO Global Annual (2023): Global Annual to Decadal Climate Update. Accessed in July 2023. Available at: https://library.wmo.int/doc_num.php?explnum_id=11629

- National Geographic (Accessed July 2023): Drought. Available at: <https://education.nationalgeographic.org/resource/drought/>
- OECD (2021): Iraq import Wheat. Accessed in July 2023. Available at: [https://oec.world/en/profile/bilateral-product/wheat/reporter/irq#:~:text=Iraq%20imports%20Wheat%20primarily%20from,%2C%20and%20Hungary%20\(%24487k\).](https://oec.world/en/profile/bilateral-product/wheat/reporter/irq#:~:text=Iraq%20imports%20Wheat%20primarily%20from,%2C%20and%20Hungary%20(%24487k).)
- OECD (2021): Wheat Information in the World. Accessed on July 2023. Available at: [https://oec.world/en/profile/hs/wheat#:~:text=Exports%20In%202021%20the%20top,and%20Turkey%20\(%242.49B\).](https://oec.world/en/profile/hs/wheat#:~:text=Exports%20In%202021%20the%20top,and%20Turkey%20(%242.49B).)
- OPEC (2021): Iraq Figures. Accessed in July 2023. Available at: https://www.opec.org/opec_web/en/about_us/164.htm
- World Health Organization (Accessed July 2023): Drought. Available at: https://www.who.int/health-topics/drought#tab=tab_3

